یادداشت

جشن‌نامه‌ای برای بزرگان

پژمان اکبرزاده

مهرگان
محسن شهرنازدار
موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
چاپ اول – ۱۳۸۵
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۷۵۰۰ تومان

«مهر یا میترا در اوستا، پروردگار روشنایی و فروغ است. . . گوناگونی سخن از مهر در بخش‌های گوناگون اوستا شاهدی بر دگرگونی‌های فکری و عقاید مردم اجتماعات آن روزها است. به این معنی که در گاتاها که از کهن‌ترین بخش‌های اوستا و از سروده‌های خود زرتشت است تنها یک بار و به معنای وظیفه مذهبی و دینی آمده است. در حالی که در دیگر بخش‌های اوستا به ویژه یشت دهم که مخصوص مهر است از عظمت این فرشته روشنایی و پیروزی در جنگ یاد شده است. در بخش‌هایی از اوستا هم نام مهر تنها به معنای صفت روشنایی این فرشته آمده است. . . »[1] این وجه تسمیه و همچنین شباهت آن به رسالت طبقه نخبه جامعه، موجب شد تا محسن شهرنازدار نام «مهرگان» را برای صفحه‌ای برگزیند که از سال ۱۳۸۳ به طور مرتب در روزنامه ایران به مسئولیت خود او به چاپ می‌رسد و به شرح فعالیت‌ها و آثار شخصیت‌های ادبی، فرهنگی و هنری کشور اختصاص دارد. به تازگی هفتاد و یک مقاله از مطالب آن صفحه که دربرگیرنده پانزده چهره در عرصه معماری، بیست و سه چهره موسیقی، شانزده چهره در عرصه نمایش و بیست و هفت چهره در زمینه هنرهای نمایشی است به اهتمام محسن شهرنازدار و توسط موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران در شمارگان دوهزار نسخه و بهای هفت هزار و پانصد تومان به چاپ رسیده است.

این اثر در واقع نخستین جلد از یک مجموعه شش جلدی است. در بخش نخست که در دو «پاره» تدوین شده به فعالیت‌های چهره‌های هنری پرداخته می‌شود. بخش دوم و سوم که آنها هم هر یک در دو پاره خواهند بود به ترتیب، چهره‌های ادبیات و علوم انسانی را دربرخواهند گرفت. در هر رشته، شخصیت‌ها به ترتیب تاریخ تولد مطرح شده‌اند و طرح‌های ایرج اسماعیل‌پور قوچانی نیز که در زمان چاپ نخست مطالب در روزنامه همراه با مقالات بوده در کتاب نیز زینت‌بخش نوشتارهاست.

چهره‌های فعال در هر رشته هنری طبعاً دارای گرایش‌های گوناگونی در کار خود هستند ولی خوشبختانه در این مجموعه از پرداختن به یک گروه با یک ایده و اندیشه خاص خودداری شده است. برای نمونه در بخش موسیقی، چهره‌هایی چون جلیل شهناز (تکنواز تار)، غلامحسین غریب (تکنواز کلارینت)، هرمز فرهت (موسیقی‌شناس)، محمدرضا شجریان (خواننده)، علیرضا مشایخی (آهنگساز نوگرا)، مجید کیانی (تکنواز سنتور) و . . . با فعالیت‌ها و افکاری کاملاً گوناگون، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

مقالات در هر زمینه توسط نویسندگان متعددی نوشته شده‌اند که نام آنها در زمان انتشار روشن بود ولی در چاپ فعلی به صورت کتاب، نام نویسندگان به دلیلی نامشخص در بالای مطالب درج نشده و صرفاً در فهرست کوتاهی در ابتدای کتاب به ذکر نام هیات تحریره «مهرگان» در رشته‌های مورد نظر اکتفا شده که خواننده جست‌وجوگر را احتمالاً در مواردی سردرگم خواهد ساخت. به گفته محسن شهرنازدار: «این مجموعه پیش از آنکه ادعای تدوین دانشنامه‌ای منسجم از فرهیختگان حوزه‌های گوناگون هنر، ادبیات و علوم انسانی را داشته باشد، همچون سند طبقه‌بندی شده‌ای از یک دوره انتشار صفحه مهرگان در روزنامه ایران است که با اندک تغییراتی به چاپ رسیده است. این مجموعه، شرح زندگانی آن دسته از مشاهیر رشته‌های مورد بحث است که در فاصله سال‌های ۱۲۹۰ تا دهه ۱۳۳۰ خورشیدی به دنیا آمده‌اند و به گواه همه صاحب‌نظران، بیشترین نقش را در جریان هنر، فرهنگ و تاریخ معاصر ایران داشته‌اند. البته در گزینش افراد، ضمن توجه به عرصه تأثیرگذاری آنان، مقید به در قید حیات بودن آنان نیز بوده‌ایم تا در کنار مرور دستاوردهای نخبگان ایران، جشن‌نامه‌ای نیز برای این بزرگان فراهم کرده باشیم. . . »

پی‌نوشت:

۱- برگرفته از «نوروز؛ اسطوره‌ها و دیگر جشن‌های ایران در گذر زمان»، از مهوش امیرمکری، انتشارات دهخدا، ۱۳۸۲.

بوی خیس کاج

شرق: بوی خیس کاج عنوان مجموعه داستانی است از گیتی رجب‌زاده که به تازگی توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است. نویسنده چهل ساله این مجموعه ۱۴ داستان کوتاه را مشتمل بر فضای زندگی‌های طبقه متوسط، اوهام و ترس‌های آنان نوشته و در کنار هم قرار داده است. در این داستان‌ها گاه برخی عناصر مشترک و تکرارشونده مانند اجسام خاص و یا احساس‌های مشترک باعث شده تا کتاب فرمی به‌هم‌پیوسته داشته و بتوان این داستان‌ها را علاوه بر درک استقلال آنها با نگاهی کلی‌تر نیز در نظر گرفت. این مجموعه در ۱۰۹ صفحه با تیراژ ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۱۲۰۰ تومان به بازار آمده است. در قسمتی از داستان عکس می‌خوانیم: «دستت را می‌گذارم کنار بریده عکس، همان جای اولش، خودم را هم از روی دامن مامان می‌کنم و می‌گذارم، گوشه عکس، طلق را روی صحنه سوم می‌کشم، آلبوم را می‌بندم، صدای پایی می‌آید تا پشت در اتاق، چراغ را خاموش می‌کنم.»

تصمیم داریم در این صفحه کتاب‌های حوزه هنر و ادبیات را ارزش‌گذاری کنیم. ارزش‌گذاری با توجه به محتوا و ساختار کتاب‌ها انجام می‌شود. این هفته کتاب جنگل واژگون نوشته جی. دی. سلینجر را ارزش‌گذاری کرده‌ایم.
بی‌ارزش*، متوسط**، خوب***، عالی****، ممتاز*****

لولیتای واژگون

جنگل واژگون
جی. دی. سَلینجِر
ترجمه: بابک تبرایی و سحر ساعی
ناشر: نشر نیلا
چاپ اول: ۱۳۸۵
تعداد: ۵۰۰۰ نُسخه
قیمت: ۱۲۰۰ تومان

سام فرزانه**: همه‌چیز تقصیر مادر «ری فورد» بود که مثل جناب سرهنگی در جنگ جهانی بر سر سربازان نوجوان فریاد می‌زد و جدا شدنش از شوهر سبب شده بود که ری بدون الگویی مردانه، به فرمان‌برداری مطلق از جنس مخالف تبدیل شود. اگر این کار را نکرده بود، «کورن» دچار آن معضلات نمی‌شد. کورن که دو دهه از عمرش را پشت سر گذاشته بود تا به ری برسد و رسید و او را از دست داد. به آسانی. برای اینکه زنی پیدا شد و مانند مادر «ری» سر او داد زد، احمق خطابش کرد و به او دستور حرکت داد. زن مثل مادر از ری خواست تا «کورن» را ترک کند و او هم این کار را کرد. نه یک بار، که دو بار. با این مقدمه شاید فکر کنید، داستانی را به شما معرفی می‌کنیم که براساس کتاب‌های فروید نوشته شده و احتمالاً چیزی جذاب‌تر از یک کتاب علمی نیست. اما اگر شما تا به حال نام «جی. دی. سلینجر» را نشنیده‌اید، سلیقه «بابک تبرایی» را در ترجمه نمی‌دانید و ناشری به نام «نیلا» را نمی‌شناسید. باید خدمتتان عرض کنم که اصلاً از این خبرها نیست. این داستان بلند یکی از جذاب‌ترین کتاب‌هایی است که خوانده‌اید. راوی داستان خود یکی از نزدیکان کورن است که تنها در یک جای داستان فاش می‌کند که کدام یک از شخصیت‌ها است. راوی روزنامه‌نگار است و لحن روایتش درست مانند روزنامه‌نگاری است که تنها گزارشگر یک رویداد است. بدون آنکه صفتی بنویسد تنها به ما خبر می‌دهد که در جای‌جای این رویداد کدام اتفاق رخ داده است. جاهایی هم که اطلاعاتی نداشته خیلی راحت به خواننده می‌گوید که نمی‌داند در فلان زمان چه اتفاقی افتاده است. لحنی که راوی این داستان دارد و مدل گزارشی که در نوشتن پیش گرفته ریتم جذابی به داستان داده است. رویدادها با ریتمی سریع بیان می‌شوند و هیچ‌جایی برای زیاده‌گویی نیست. با همه اینها شما درگیری احساسی با داستان برقرار می‌کنید. موقعیت و رویدادها چنان تاثیربرانگیز است که شما درگیری عاطفی با کورن و حتی ری پیدا می‌کنید. این داستان زیبا را از دست ندهید.

شاعری در زیرِ زمین

محسن آزرم**: بدترین کارِ دُنیا این است که آدم بنشیند و فکر کند که اگر در گُذشتَه دور از دسترس کمی عاقلانه‌تر رفتار می‌کرد و به حرفِ دیگران گوش می‌داد، همه‌چی درست پیش می‌رفت و دنیا این چیزی نبود که حالا هست. بدترین کارِ دُنیا، همان کاری است که از همه آدم‌ها سَر می‌زند، روزی روزگاری، بالاخره، یاد گذشته می‌کنند و بعید نیست که به یاد همه آن اتفاق‌های ریز و درشتی که یا دوست‌داشتنی بوده‌اَند یا نفرت‌انگیز، اشکی هم بفشانند. اما این راهش نیست، راه زندگی‌کردن طورِ دیگری است و «کورین» دُخترکَ دوست‌داشتنی داسَتان جی. دی. سَلینجر، وقتی در انتهای ماجرا می‌فهمَد که همه پُل‌های پُشت سرش خراب شُده‌اند و «ریموند فورد» شاعر، دیگر آنَ پسرک مغمومِ دوست‌داشتنی سابقَ نیست، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد و شروع می‌کند به دویدن در خیابان، «ناشیانه و اُفتان و خیزان». درست به‌عکسِ «بانی» (مری) که بعد از آن همه دروغ و خالی‌بندی، حالا به آرزویش رسیده، امّا نمی‌داند که باید چطوری با «بهترین شاعرِ آمریکا» کنار بیاید. و بدتر از همه، موقعیتِ ری فورد است، آدمی رانده و مانده کَه اسیرِ رابطه‌ای بی‌معنا شُده، صرفاً بَه این دلیل که قیافه‌اش بدونِ عینک، به یکی از بازیگرهایَ سینما شبیه است. خیلی دلَم می‌خواهد بدانم سَلینجر، چرا مثلِ خیلی از نویسنده‌های دیگر، رَوایتِ داستانش را به شخصیتِ اصلیَ (که در ظاهر باید همانَ کورین باشد) نسپُرده و یک ناظرِ نسبتاً بی‌طرف را مامورِ این کارَ کرده است. می‌دانید، لحنِ سردِ این مامور (که البته دلبسته خَانُمِ کورین هم هست و قبل از اینها درباره بعضی چیزها به او تذکر داده)، به مذاقِ آدم خوش می‌آید.

اصلاً همین که سعی می‌کند این زندگی از دست رفته را با فاصله ببیند، حسابی جذاب است. اما چه می‌شُد اگر کورین می‌خواست داستانش را برای ما روایت کند؟ این همه سادگی و معصومیت را باور می‌کردیم؟ نمی‌گفتیم دارد حق را به خودش می‌دهد و قاضی عادلی نیست؟ سَلینجر پیش از نوشتنِ این داستان بلند، همه‌چی را درست و حسابی سنَجیده و بعدَ دست به کار شُده است، یعنی همان کاری را کرده که هر آدمِ عاقلی باید در زندگی‌اش بکند، یعنی اَلَکی و بی‌دلیل از دیوارهای نامرئی بین آدم‌ها ردَ نشود. این دیوارها اَلَکی بنا نشده‌اند، حکمتی در کار بوده است. آدم‌ها پیش از آنکه سُفره دلشان را پیش هم باز کنند و مثلاً در کمال خضوع و خشوع، مراتبَ دلدادگی‌شان را اعلام کنندَ، بهتر است باواسطه، از پُشت شیشه‌ای شفاف مثلاً، آن دیگری را سیاحت کنندَ. در این صورت شاید به مُصیبتی که نصیبش کورین شد، دچار نشوند. می‌دانید، همه آن چیزهایی که کورین باید درباره ری دوستِ سال‌های نوجوانی و شوهرِ این سال‌هایش می‌دانست، در همان بیتی که از قول آقای شاعر آمده دیده می‌شود: «نه سرزمینِ هرز، که بزرگ جنگلیَ واژگون/ شاخ و برگ‌هایش، همه در زیرِ زمین.» یادم نیست کدام شاعرِ فرنگی بود که گفته بود، بهترین شعرِ هر شاعر، درباره خودش است و ری فورد، خودش را در این بیت خُلاصه کرده است. اگر کورین این قدر شیفته و دلداده‌اش نبود، شاید متوجه می‌شُد که ریموند فورد، به قولِ خودش، اهلِ «کشف» است، نَه «ابداع»، و چه کشفی بالاتر از کشفِ خود؟ هان؟

برویم قبلی‌ها را بخوانیم

حسین یاغچی**: اگر بخواهیم فقط یک ویژگی برای داستان‌های سلینجر قائل شویم، این ویژگی، کشش عجیب داستان‌های اوست و طبیعی است که در این ویژگی، ارائه «مفاهیم» والا و تاثیرگذار جایی ندارد. اما به‌نظر می‌رسد سلینجر در «جنگل واژگون» مسیری متفاوت را طی کرده است. یعنی کشش داستانی را فدای ارائه یک مفهوم کرده است. مفهومی که وقتی در پایان خواندن داستان به آن فکر می‌کنیم، بسیار جذاب می‌نماید. دختری تلاش دارد عشق دوران کودکی‌اش را بازیابد. این عشق، یک‌بار در کودکی به واسطه یک زن (که مادر پسر بوده) از دست رفته است و حالا که دختر بزرگ شده و به لطف تمکن مالی، از همه‌چیز و همه‌کس استقلال پیدا کرده، بار دیگر در خیال دختر زنده شده و سودای بازیابی آن به سر افتاده است. اسطوره‌شکنی اینجا هم اتفاق می‌افتد. عشق دوران کودکی، این بار هم به واسطه یک زن از دختر قصه ما دریغ می‌شود و او درمی‌یابد که پسر می‌خواهد برده زنان باشد. کاری که دختر، قادر به پذیرش آن نیست. با این حال چنین مفهومی در قالب داستانی روایت شده که اگر به طرفداران پر و پا قرص سلینجر برنمی‌خورد باید گفت بسیار ملال‌آور است. کافی است بپرسیم چند نفر از کسانی که این داستان را خوانده‌اند، ماجراهای آن را قبل از وقوع پیش‌بینی کرده‌اند. وقتی دختر در ایستگاه قطار با پسر و مادرش خداحافظی می‌کند و قصه با جهشی چندین و چندساله به دوران جوانی دختر می‌رود، خواننده هر لحظه مترصد است و می‌داند که دختر، پسر را می‌بیند و وقتی راوی داستان کتاب شعری را به دختر هدیه می‌دهد مطمئنیم که شاعر این کتاب، همان پسر رویاهای دختر است. در ادامه هم وقتی دختری وارد زندگی آنها می‌شود تمام گمان‌ها متوجه فروپاشی زندگی مشترک می‌شود و نویسنده کل پیش‌بینی خوانندگان داستانش را مو به مو رعایت می‌کند و جایی برای غافلگیری ما باقی نمی‌گذارد. پیشنهاد می‌کنم «جنگل واژگون» را فراموش کنیم و همچنان با بازخوانی داستان‌های دیگر سلینجر افسون آثار او را در ذهن حفظ کنیم. امیدوارم احساس ما، در مورد سلینجر به سرنوشت دختر قصه جنگل واژگون دچار نشود.

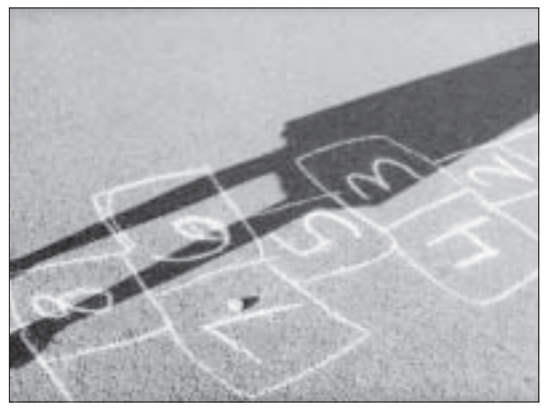

دیده خلق از نسیمت روشن است

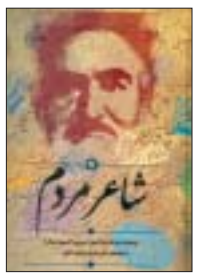

شاعر مردم
یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی
به اهتمام: علی‌اصغر محمدخانی
ناشر سخن- ۱۳۸۴
تعداد: ۲۲۰۰
قیمت: ۵۹۰۰ تومان

سعیده هادی: حدود ۷۳ سال از درگذشت سید اشرف‌الدین حسینی (گیلانی) ـ که او را محبوب‌ترین و معروف‌ترین شاعر ملی عهد انقلاب (مشروطه) خوانده‌اند، -[1] می‌گذرد. شاعری که به تعبیر برخی صاحب‌نظران، به دلیل اقبال شدید مردمی به اشعار انقلابی‌اش، اجر او در آزادی ایران، کمتر از اجر ستارخان، پهلوان بزرگ نبود.[2] با این حال، این هنرمند بزرگ، سبک‌آفرین و جریان‌ساز دوره ما، در فقر و مسکنت تام و تمام زیست، واپسین سال‌های زندگی خود را به طرز مشکوکی در تیمارستان گذراند، در همانجا درگذشت و گمنام به خاک سپرده شد و تاسف‌بارتر آن که بعدها نیز نقش مهم این طنزنویس و شاعر معاصر در طنز و شعر امروز، آن گونه که شایسته او است مورد توجه و بازنگری قرار نگرفت. کافی است به یک بررسی آماری استناد کنیم که دکتر شفیعی کدکنی در کتاب ادوار شعر فارسی بدان اشاره کرده‌اند.[3] این آمار، مربوط به یک نظرسنجی میان دانشجویان رشته‌های مختلف درخصوص شاعران معاصر است و به حوالی سال ۵۷ مربوط می‌شود، یعنی زمانی که ادبیات، تحت تاثیر رخدادهای سیاسی و اجتماعی قرار دارد و سیاست‌زده است. از میان جامعه آماری ۱۲۰ نفره نظرسنجی فوق، تنها ۱۲ نفر به نسیم شمال (که اتفاقاً نگاه سیاسی، اجتماعی و مردمی او در موضوع، قالب و واژگان، متناسب با فضای آن روزهای ادبیات است)، اظهار علاقه و آشنایی کرده‌اند و کسانی چون نادرپور با ۴۲ رای و توللی با ۵۲ رای و مشیری با ۵۱ رای و گلسرخی با ۲۰ رای، بالاتر از او قرار داشته‌اند. پس از گذشت قریب ۳۰ سال از انجام این نظرخواهی، شک نیست که اگر مجدداً چنین بررسی‌ای در جامعه دانشجویی انجام گیرد، هر تغییری هم در ترکیب نام شاعران و اقبال نسبت به آنها صورت گرفته باشد، بعید به نظر می‌رسد که در شناخت نسل جوان نسبت به سید اشرف‌الدین گیلانی دگرگونی حاصل شده باشد، چرا که در این مدت جز یکی، دو نمونه تلاش مشخص، بارز و روشنی از سوی محققان و پژوهشگران در جهت بازشناسی چهره این هنرمند بزرگ صورت نگرفته است.

شک نیست که سنگینی سایه نیما و حداکثر چهار شاعر دیگر بر فضای شعر معاصر، باعث شده که پژوهش و بررسی آثار شاعران پیش از آنها به‌خصوص دوره‌های مشروطه و دوره پهلوی اول، تحت‌الشعاع رویکرد به جریانات شعری معاصر و شعر نو قرار گیرد. دلایل سیاسی و ملاحظات زمان و شرایط روز نیز مزید بر علت شده و نام شاعران اثرگذاری چون بهار، عارف، عشقی، ایرج، لاهوتی، نسیم شمال، فرخی یزدی و پروین اعتصامی به فراموشی سپرده شده است. تو گویی در تحقیق شعر معاصر، این دوره(مشروطه پهلوی اول) حلقه مفقوده‌ای است که میان شعر دوره بازگشت و شعر نیمایی وجود دارد!

در هر حال، به نظر می‌رسد در زمینه سید اشرف‌الدین گیلانی که موضوع مقاله حاضر است، بررسی سیر تحول شعر معاصر، به‌خصوص شعر طنز امروز، بدون بازشناسی نقش عمیق و تعیین‌کننده این شاعر مردمی در این روند، ممکن نیست. چرا که او مولفه‌هایی را وارد شعر طنز معاصر کرده است که اثر آن، همچنان پابرجاست.

چاپ کتاب شاعر مردم (یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی) بی‌شک می‌تواند اتفاقی فرخنده در ارج نهادن به یکی از شاخص‌ترین چهره‌های مردمی ادبیات معاصر و زمینه‌ساز آشنایی بیش از پیش مخاطبان ادب‌دوست با زندگی و آثار او به شمار آید و به درک واقعی‌تر مخاطب از ادبیات و طنز فارسی معاصر منجر شود.

کتاب، فراهم آمده از مجموعه مقالات همایش بزرگداشت سید اشرف‌الدین حسینی است (همایشی که از سوی کتاب ماه ادبیات و فلسفه در اسفند ماه سال ۱۳۸۲ به مناسبت هفتادمین سال درگذشت این شاعر بزرگ در تهران برگزار شده است) و در شش فصل سامان یافته است.

فصل اول، به زندگانی سید اشرف اختصاص دارد و مقاله ارزنده زنده‌یاد غلامحسین یوسفی در زمینه زندگی و شعر نسیم شمال از کتاب «چشمه روشن» آغازگر آن است.

نویسندگان در این بخش، ضمن بررسی زندگی نسیم شمال و بازشناسی ناگفته‌های زندگانی و تولد و مرگ این مرد بزرگ، زندگی حرفه‌ای سید اشرف را به عنوان یکی از مهم‌ترین چهره‌های روزنامه‌نگاری دوره معاصر در خلال بررسی دوره‌های روزنامه نسیم شمال از آغاز تا پایان، مورد بحث قرار داده‌اند و نقاط ضعف و قوت آن را به صورت گذرا، مطرح کرده‌اند که بی‌شک می‌تواند برای خواننده و محقق امروزی نیز راهگشا باشد و مبنایی باشد برای بازنگری بر محدودیت‌ها و آفات کار روزنامه‌نگاری معاصر، پیش روی علاقه‌مندان.

فصل دوم کتاب، به ویژگی‌های شعر سید اشرف‌الدین اختصاص دارد. خواننده در این بخش، ضمن آشنایی با مبانی اولیه و کلی مکتب ادبی مشروطه، در جریان بررسی این مبانی در شعر سید اشرف‌الدین قرار می‌گیرد و در حوزه‌های محتوا و درونمایه، شکل و قالب، زبان شعر و هنر شاعری، با مضامین، ویژگی‌های صوری و محتوایی شعر سید اشرف‌الدین به تفصیل آشنا می‌شود. عوامل استقبال مردمی و پسند عمومی سید اشرف، طنز و ساختار آن در دیوان نسیم شمال، چاشنی اطعمه در شعر سید اشرف‌الدین و فرهنگ و امثال عامه در شعر سید اشرف حوزه‌های تخصصی‌تری است که در کنار مقالات مربوط به بررسی کلی اشعار نسیم شمال، بدان پرداخته شده است.

شک نیست که طنز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مضمونی، سبکی و زبانی اشعار سید اشرف است که اگرچه حجم کمی از مقالات مجموعه حاضر را به خود اختصاص داده است ولی مقاله طنز و ساختار آن، بررسی جامعی است که می‌تواند تصویری روشن و درست و کامل از موضوع مورد بحث را پیش روی خواننده بگشاید. شاید در این میان، گنجاندن «چاشنی اطعمه در شعر اشرف‌الدین» به نظر عجیب و دور از ذهن بیاید، ولی نگرشی اجمالی به تاریخ ادبیات کشورمان و رویارویی با نمونه‌هایی مثل «دیوان بسحق اطعمه» گویای آن است که سخن گفتن از خوراکی‌ها بازتاب آرزوها و آمال سرکوب شده محرومین در دستیابی به ساده‌ترین حقوق انسانی (خوراک) است که در دیوان سید اشرف به یکی از ظرافت‌های برجسته او تبدیل می‌شود. او که در شماره جمعه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ در طلیعه نسیم شمال می‌نویسد: «این طلبه مسکین اشرف‌الدین ۹ سال است که در طهرانم، هنوز بی‌منزل و بی‌مکانم. . . بسا می‌شود که تا دمدمه‌های ظهر نان و پنیر و سبزی هم برای ناهار در حجره آن مظلوم موجود نمی‌شود.» یکی دیگر از ناگفته‌هایی که در زمینه نقش سید اشرف در ادبیات معاصر وجود دارد مربوط به فعالیت‌های او در زمینه ادبیات کودکان است تا بدانجا که او را بنیادگذار ادبیات کودکان در ایران دانسته‌اند. رویکرد به مسائل کودکان و به کارگیری زبان و اصطلاحات کودکانه علاوه بر آنکه در بسیاری از اشعار این شاعر بزرگ به چشم می‌خورد بخش‌هایی از فعالیت‌های ادبی او را هم شامل می‌شود. کتاب «گلزار ادبی» که شامل سی و سه قطعه شعر با فرم مثنوی با زبانی دلنشین و طنزآمیز است و از فایل‌های لافونتن استخراج شده است نمودی از این تلاش اوست. فصل سوم کتاب در قالب سه مقاله به هر دو بخش از فعالیت‌های ادبی سید اشرف در زمینه ادبیات کودکان پرداخته است.

فصل چهارم به بررسی درونمایه سیاسی و اجتماعی شعر نسیم اختصاص دارد. ناسیونالیسم، اسلامگرایی و آزادیخواهی به عنوان مهمترین مضامین اشعار نسیم شمال، مقالات جداگانه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و یک مقاله نیز به بررسی درونمایه اجتماعی و انتقادی اشعار این شاعر معاصر اختصاص دارد. همچنین در این بخش چهار مقاله به نگاه سید اشرف به مسئله زن و حقوق و جایگاه او می‌پردازد که از نظر تعداد بیشترین مقالات کتاب در ارتباط با یک موضوع را شامل می‌شود در حالی که برای مثال طنز سید اشرف به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آثار این شاعر بزرگ یک مقاله از کتاب را به خود اختصاص داده است. فصل پنجم شامل سه بررسی تطبیقی در زمینه مقایسه میان آثار این نویسنده معاصر بالافونتن، ملک‌الشعرای بهار و فرخی یزدی است و در نهایت کتاب با کتابشناسی سید اشرف‌الدین در فصل ششم به پایان می‌رسد.

بهره‌گیری کتاب از مقالات محققانی چون حجت‌الله اصیل، احمدابو محبوب، ولی‌الله درودیان، سیدفرید قاسمی و . . . . از سویی و برخورداری آن از نظرگاه‌های جدید و نو و ناگفته که در مقالات دیگر محققان در بخش ناگفته‌های زندگی و کار سید اشرف‌الدین ویژگی‌های سبکی و نگارشی آثار او و دیگر بخش‌های کتاب ارائه شده است از سوی دیگر این مجموعه را به کتابی خواندنی و منبعی قابل اتکا برای علاقه‌مندان به ادبیات و طنز معاصر تبدیل کرده است اگرچه به اقتضای چنین مجموعه‌هایی که گرد آمده از مقالات یک سمینار است گاه مطالبی در مقالات مختلف تکرار شود یا حتی چند مقاله در تشابه با یکدیگر قرار گیرد و یا مقالات از جهت قدرت و قوت تحلیل و تحقیق از سطح یکسانی برخوردار نباشد و با افت و خیز همراه باشد. علی‌اصغر محمدخانی – گردآورنده کتاب –در مقدمه آورده است: «شاید سایه روشنی از سیمای ادبی و مطبوعاتی شاعر مردم عهد مشروطه از آیینه مقالات و تحقیقات فراهم‌آورندگان مجموعه حاضر منعکس گردد.» به عقیده راقم سطور نه تنها مجموعه مذکور انعکاس دهنده سایه‌روشن سیمای فوق‌الذکر است بلکه در بخش‌هایی چیزی بیش از «سایه‌روشن» است و امید می‌رود که با پی‌گیری و تلاش علاقه‌مندان و تداوم این تلاش‌ها به وضوح چهره نیز بینجامد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما، تهران ۱۳۵۰، ۶۲/۲

۲- سعید نفیسی، مجله سپید و سیاه، شهریور ۱۳۳۴، به نقل از چشمه روشن، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۳

۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۲، ۱۳.

خبر کتاب

من می‌گویم، شما بگریید

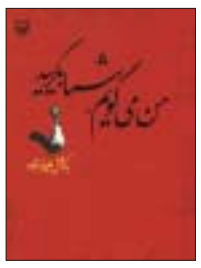

شرق: «من می‌گویم، شما بگریید» عنوان مجموعه‌ای است که با انتخاب شاعر و محقق علیرضا قزوه منتشر شده است. در این کتاب برخی از اشعار و مراثی تاثیرگذار و زیبایی که در باب امام حسین(ع) یا واقعه کربلا سروده شده‌اند انتخاب شده و در کنار هم منتشر شده‌اند. علیرضا قزوه که کتاب «من می‌گویم، شما بگریید» به کوشش او منتشر شده در مقدمه کتاب دلیل خود از این انتخاب‌ها را چنین می‌نویسد: «تلاش شده است تا در شعرهای این دفتر ضعف‌های دستوری و زبانی و به‌خصوص محتوایی کمتر به چشم بیاید. اگرچه برخی از این شعرها را بارها شنیده‌اید، اما شعر خوب و بااصالت و باپشتوانه همیشه زنده است.» در این کتاب اشعار فراوانی از شاعران گوناگون از سیف فرغانی گرفته تا خوشدل تهرانی از قیصر امین‌پور گرفته تا مشفق کاشانی و . . . در کنار هم قرار گرفته و این مجموعه را شکل داده‌اند. اشعار انتخاب شده در ۵ فصل موضوعی تقسیم‌بندی شده‌اند. «من می‌گویم، شما بگریید» در تیراژ ۲۲۰۰ نسخه با قیمت ۲۵۰۰ تومان توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

اندکی سایه

شرق: رمان اندکی سایه نوشته نویسنده اهوازی اولین اثری است که در مجموعه «کار اول» انتشارات خجسته منتشر شده است. بیگدلی نویسنده این رمان به سال ۱۳۳۴ در اهواز به دنیا آمده است. او از سال ۱۳۵۹ تاکنون ساکن نجف‌آباد اصفهان است و تاکنون دو مجموعه داستان از این نویسنده منتشر شده است. رمان اندکی سایه، نخستین رمان این نویسنده قدیمی است که مانند اعم فضاهای داستانی او، جوی شاعرانه و استعاری دارند. در این رمان روایت غمبار مردمی را شاهد هستیم که از دل روزگاران سپری شده بیرون آمده و توسط بیگدلی به تصویر کشیده شده‌اند. این رمان با قیمت ۱۶۰۰ تومان، در تیراژ ۱۵۰۰ نسخه و توسط انتشارات خجسته در سال ۸۴ به بازار آمده است. این رمان ۱۴ فصل دارد. بیگدلی پیش از این «شبی بیرون از خانه» و «من ویران شده‌ام» را منتشر کرده است. در قسمتی از رمان می‌خوانیم: «هادی می‌خواست کاری بکند و نمی‌توانست. می‌خواست فریادی بزند اما صداش در گلو مانده بود. می‌خواست خودش را از زیر بار چنین تهمت ناروایی پس بکشد و توانش را نداشت – ذره‌ذره گشته بودی قالبش – زانوهایش می‌لرزید. از شدت غیرت، مشتش گره شده روی سینه‌اش بود و نمی‌توانست کاری بکند. . . »

سوگ سفید

شرق: مجموعه شعر «سوگ سفید» کتابی است مشتمل بر ۱۵ شعر در قالب آزاد که بهار رهادوست سراینده آنها است. در این مجموعه شعر کوچک شاعر با نگاه به فضاهای شهری امروز و واقعیت‌ها و اتفاق‌هایی مانند جنگ تحمیلی، تنهایی و بی‌روحی احساسات زندگی روزمره اشعاری را نوشته است که در آنها تجربه زبانی مهم‌ترین تلاش او به شمار می‌آید. در این کتاب ما با اشعاری مانند حروف اضافه، آرمانشهر، گمشده، کلاغ آخر و منشور عشق و . . . روبه‌رو می‌شویم که اعم آنها در ادامه فضاهای یکدیگر سروده شده‌اند. این مجموعه شعر در سال ۱۳۸۵، با تیراژ ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۶۰۰ تومان توسط انتشارات کتابدار به بازار عرضه شده است. با هم شعر – . . . – را می‌خوانیم: «من کفش ندارم/ تو شال‌گردن/ کدام محتاج‌تریم؟/ آزار سبز نگاهی به آزار سرخ کرد و گفت: / وقت تنگ است / اگر شتاب نکنیم به اتوبوس نمی‌رسیم.»

فردا می‌بینمت

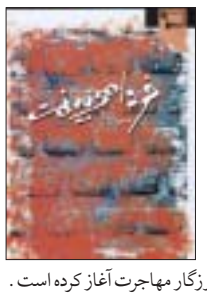

شرق: فردا می‌بینمت عنوان اولین مجموعه داستان سودابه اشرفی است که توسط نشر ورجاوند منتشر شده است. اشرفی که در سال ۱۳۳۸ به دنیا آمده است از سال‌ها پیش در آمریکا زندگی می‌کند و نویسندگی را هم از همان روزگار مهاجرت آغاز کرده است. از اشرفی رمان «ماهی‌ها در شب می‌خوابند» در ایران منتشر شده بود و مجموعه جدیدش یعنی «فردا می‌بینمت» دومین کتاب منتشر شده او به حساب می‌آید. در این مجموعه ۱۸ داستان کوتاه در کنار هم منتشر شده‌اند. در داستان‌ها فضاهایی متفاوت و رئالیستی می‌گذرد که در آنها مبحث هویت و زمان از اهمیت دوچندانی برخوردار است. اشرفی تاکنون جوایزی مانند جایزه مهرگان ادب و بنیاد گلشیری را به خاطر رمان ماهی‌ها در شب می‌خوابند به دست آورده بود. این کتاب در ۱۴۱ صفحه با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و به قیمت ۱۸۰۰ تومان منتشر شده است. در قسمتی از داستان گم شدم می‌خوانیم: «در ذهنم نقش پیرمردی که با کلید قفل در خانه‌ای را باز می‌کرد و به درون می‌رفت و آرام و بی‌اعتنا به ما از چشم‌مان پنهان می‌شد همه چیز دیگر را شسته بود. نقشی که من از آن سر درنمی‌آوردم. همه ذهنم را پوشانده بود و بقیه را بی‌رنگ و بی‌شکل کرده بود، فقط همین را به یاد می‌آوردم.»